

مکان رسو سفینه نوح (علیه السلام) (دلون - ارارت - الجودی):

لنگرگاه کشتی نوح (علیه السلام) (دلون، ارارات، جودی):

مکان رسو سفینه نوح تحدده معرفتنا بأن نوحاً وقومه والأجيال التي أتت بعدهم قد سكنوا بعد الطوفان بلاد ما بين النهرين، وهذا أمر لا يمكن أن ينكره إلا مكابر فقصة الطوفان أصلها سومري أي أن ناقلها هم شعب ما بين النهرين على أنها إرث آبائهم وأسلافهم، فمحاولة نقل استقرار نوح وقومه بعد الطوفان إلى منطقة أخرى خارج وادي الرافدين أعتقد أنها محاولة بائسة تعترضها عقبات كثيرة لا يمكن تخطيها.

نوح، قوم او و نسل‌هایی که پس از وی آمدند، بعد از طوفان در سرزمین بین‌النهرین رحل اقامت افکندند که این خود مکان لنگر انداختن کشتی را معین می‌کند. این چیزی است که فقط افراد ستیزه‌جو می‌توانند منکرش شوند. اصلو اساس داستان طوفان از سومر است، یعنی ناقلان آن، ملت ساکن در بین‌النهرین بوده‌اند و آن را میراث پدران و نیاکان خود می‌دانسته‌اند. به اعتقاد من، اینکه چنین مطرح می‌کنند که پس از طوفان، نوح و قومش در منطقه‌ای خارج از بین‌النهرین استقرار یافتند، تلاش‌هایی بی‌محتوا بوده که پیامدهای زیادی را به دنبال دارد و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.

ووصف دلون السومري قد بيّنت أنه مطابق لوصف دولة المهدي التي ستقام في العراق ويكون العراق عاصمتها.

پیشتر اشاره کردم که ویژگی‌های دلون سومری مشابه ویژگی‌های دولت مهدی است که در عراق برپا می‌شود و عراق پایتخت آن خواهد بود.

أما فرضية أنّ مكان رسو سفينة نوح في بعض جبال تركيا أو أرمينيا، فقد تبين أنه يتعارض مع ثوابت علمية كثيرة، ومصدر هذا الاعتقاد هو تفسير بعض اليهود للنص التوراتي الذي ذكر اسم جبال ارارات أو اراراط.

روشن شد این نظریه که لنگرگاه کشتی نوح بر روی برخی کوههای ترکیه یا ارمنستان بوده، با اصول ثابت شده علمی بسیاری، ناسازگار است. خاستگاه این اعتقاد، تفسیر برخی یهودیان از تورات است که در آن از کوهی به نام آرارات یا آراراط سخن به میان آمده است.

وقد عرفنا في مواضع أخرى أنّ النص التوراتي لقصة طوفان نوح كقضية أنّ الماء غطى كل جبال الأرض يتعارض مع الثوابت العلمية، ولهذا فلا يمكن تصور أنّ ترسو سفينة نوح على جبل ارتفاعه عدة كيلومترات عن مستوى سطح البحر ثم يكون الذي يدفعها لهذا الرسو هو فيضان مائي وارتفاع لمنسوب الماء، فقد بينا أنّ الأرض لا تتوفر على هذه الكميات الهائلة من الماء وحتى لو قيل إنه فيضان بسبب امتلاء البحر الأسود بالمياه - مع أنه فرض لا يصمد أمام النقد كما تبين - فلا يمكن أن تحدث قفزة هيدروليكية للمياه ارتفاعها عدة كيلومترات وتستمر في التحرك أفقياً بنفس هذا الارتفاع آلاف الكيلومترات حتى جبال ارارات المفترضة بين تركيا وأرمينيا، وفي الحقيقة هذه الفرضية أقرب للخيال ولا يمكن أن تحدث علمياً.

در جاهای دیگر نیز دانستیم که روایت تورات از طوفان نوح مانند اشاره به اینکه آب، تمام کوهستانهای زمین را پوشاند، با اصول علمی، کاملاً سر ناسازگاری دارد. بنابراین نمیتوان چنین تصور کرد که کشتی نوح بر کوهی به ارتفاع چندین کیلومتر از سطح دریا لنگر انداخته باشد، آن هم بر اثر سیلاب و بالا رفتن سطح آب. پیشتر گفتیم که زمین فاقد چنین حجم انبوهی از آب می باشد، حتی اگر گفته شود که این سیل به دلیل لبریز شدن دریای

سیاه از آب رخ داده باشد، که البته این مدعا همان طور که گفته شد، در برابر نقد تاب نمی‌آورد. امکان ندارد جهش هیدرولیکی برای آب‌هایی به بلندای چند کیلومتر رخ دهد و سپس این آب‌ها با چنین ارتفاعی، هزاران کیلومتر به صورت افقی حرکت کنند تا به کوه‌های آرارات بین ترکیه و ارمنستان برسند. در حقیقت این فرضیه بیشتر به خیال‌پردازی شبیه است و از نظر علمی وقوع آن امکان‌پذیر نمی‌باشد.

إذن، لا يمكن أن يعتمد هذا التفسير للنص التوراتي رغم تعارضه مع العلم إضافة لمعارضته النص السومري في عدة مواضع.

بنابراین از آنجا که این تفسیر توراتی از یکسو با علم و از سوی دیگر در جاهای مختلف با متن سومری ناسازگار است، نمی‌توان به آن اعتماد نمود.

أما اسم الجودي المذكور في القرآن فهو اسم لمكان استواء السفينة، ولا يوجد شيء حول هذا الاسم يرجح أنه مكان آخر غير العراق، ومن فرض من مفسري القرآن أنه أحد جبال تركيا فهو في الحقيقة تبع تفسير أحبار اليهود للنص التوراتي من دون أن يدرسه أو يتفحصه.

اما نام “جودی” که در قرآن به آن اشاره شده، مکان لنگر انداختن کشتی است و درباره این اسم، چیزی که با آن بتوان مکان مزبور را جایی غیر از عراق دانست، وجود ندارد. فرضیه مفسران قرآن، این است که این منطقه یکی از کوه‌های ترکیه است و حال آنکه این کلام در واقع، پیروی از تفسیر احبار یهود از متن توراتی است که بدون بررسی و تفحص ارائه شده است.
